

قرارداد ۶۰۰ میلیون دلاری توسعه میدان گازی مدار، در شرایطی که کشور برای چندین سال متوالی با بحران ناترازی گاز در فصل سرما روبه‌رو بوده، می‌تواند نویدبخش افقی روشن‌تر در تأمین امنیت انرژی باشد. اما آیا این قرارداد با مشارکت شرکت‌های اوپک و فولاد مبارکه، واقعاً قادر است به وعده‌هایش عمل کند؟ آنجا که شرکت ملی نفت ایران، امضای قرارداد و توسعه میدان‌های گاز دیگری همچون خار تنگ رانیز برای اسمال در دستور کار دارد، واکاوی مسیر پر چالش میدان مدار و اثر آن بر آینده انرژی ایران، نه فقط یک تحلیل پروژه محور، که پنجره‌ای است برای روشن کردن نقاط کور و ظرفیت‌های توسعه میدان‌های گازی کشور به‌منظور ارزیابی این موضوع با «امیرحسین هاشمی‌جاوید؛ کارشناس مسائل انرژی» گفت‌وگو کرده‌ایم که حاصل آن اینک پیش‌روی شماس‌ت:

■ ■ ■

لطفا توضیحاتی در باره میدان گازی مدار و ویژگی‌هایی آن بفرمایید؟

میدان گازی مدار در استان هرمزگان واقع شده و در ۴۰ کیلومتری غرب پالایشگاه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی و در مجاورت میدان‌های عسلویه شرقی، تاینک و خیام غربی است که در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) کشف شد. بر اساس حدود ۸۸ میلیون فوت مکعب (معادل ۲۵۰ تا ۲۵۲ میلیارد متر مکعب) برآورد و طبق برنامه قرارداد، اوج تولید آن روزانه حدود ۱۳ میلیون مترمکعب گاز و بر داشت ۴۰ هزار بشکه میعانات، پیش‌بینی شده است؛ سرمایه‌گذاری اعلامی هم ۹۵ تا ۶۰۰ میلیون دلار برآورد شده و تولید جمعی ۶۵ میلیارد مترمکعب گاز و ۱۲۷ میلیون بشکه میعانات گازی در دوره قرارداد ۲۰ ساله ا ردهف قرار داده است. حجم چشمگیر میعانات گازی، این میدان را دیزدگاه اقتصادی ارزشمندی کند.

این حجم تولید چه تأثیری بر ناترازی گاز کشور خواهد داشت؟

پیش از هر کس آمار و اعداد سخنی می‌گویند؛ مصرف روزانه گاز در ایران حدود ۸۰۰ تا ۸۷۰ میلیون مترمکعب گزارش و کسری گاز برای زمستان سال ۲۰۰۳ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب پیش‌بینی می‌شود. در این مقیاس، ۱۳ میلیون مترمکعب در روز معادل تنها یک‌نیم درصد از مصرف روزانه کشور است، پس عملاً تأثیر بهر‌داری از میدان مدار در کاهش ناترازی آن هم در آینده‌ای نزدیک، آدرس غلط است. با این حال اگر بخشی از تولید به شکل تضمین شده به صنایع بزرگی همچون فولاد مبارکه، اختصاص یابد، می‌تواند فشار بار تأمین گاز را از دوش یک‌بازریگر صنعتی بزرگ بردارد و از قطعی یافراز و نشیب تولید در زنجیره صنعتی جلوگیری کند؛ یعنی اثر محلی یا بخشی‌ان مهم است، اما اثر ملی آن، اندک و برطرف‌کننده بحران نیست!

گاز مدار کی به شبکه می‌رسد؟

شرح کار اعلام‌شده در طرح توسعه میدان گازی مدار شامل تدفغه گاز از حلقه چاه در چهار مجموعه (کلاستر)، ساخت تأسیسات سرچاهی، اجرای بیش از ۱۰۰ کیلومتر خطوط لوله جریانی و انتقال



(اجرای ۷۰ کیلومتر خط انتقال و ۳۳ کیلومتر خط لوله در مجموعه پالایشگاهی) و ساخت تأسیسات اندازه‌گیری و نم‌زدایی و تصفیه آب همراه است.

تجربه‌های عمومی و پژوهشی نشان می‌دهد هر حلقه چاه گازی در پروژه‌های خشکی ممکن است از چند هفته تا چند ماه برای حفاری و تکمیل و نصب تجهیزات زمان ببرد و ساخت خط لوله از طراحی، برنامه‌ریزی تا تست می‌تواند به شکل معمول بین ۲ تا چهار سال طول بکشد؛ با توجه به مقیاس و نیاز به هم‌زمان‌سازی چاه‌ها، تدارکات و نصب واحدهای سطح‌الاراضی، یک بازه عملیاتی منطقی برای رسیدن به تولید تجاری بخش‌هایی از میدان بین ۲ تا ۳ سال (برای فازهای اولیه راه‌اندازی) و برای رسیدن به تولید کامل، سه تا چهار سال یا بیشتر برآورد می‌شود. آن هم مشروط به تأمین مالی، نیروی انسانی، ماشین‌آلات، کالا، تجهیزات و تأییدیه‌های فنی و حقوقی، از این رو، بیان زمان ۲ تا سه سال برای اجرا آن هم در شرایط کنونی کشور، شاید واقع‌گرایانه باشد، اما به شرط شستاب در اجرا، مدیریت کنترل پروژه حرفه‌ای و برطرف کردن گلوگاه‌ها!

اما نکته بحرانی، زمان بهر‌داری است. با توجه به اینکه هنوز مصوبه شورای اقتصاد در یافت نشده است و پروژه به طی مراحل طراحی تفصیلی، تدارکات، تأمین مالی و اجرای فازهای ساخت نیاز دارد، حتی با خوش‌بینانه‌ترین سناریو و فرض عدم بروز چالش، دستیابی به تولید زودهنگام گاز دست کم سه تا چهار سال زمان خواهد برد، از این رو، ادعای «نداشتن دغدغه گاز از ۲ سال آینده» از سوی مدیرعامل فولاد مبارکه، به‌یشتتر به یک آرمان‌گرایی خوش‌بینانه شبیه است تا یک برآورد



گزارش

سال طلایی فولاد سنگان؛ تثبیت قدرت در زنجیره ارزش فولاد

شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان با انتشار صورت‌های مالی سالانه منتهی به اسفندماه ۱۴۰۳، عملکرد درخشانى در حوزه تولید، فروش و سودآوری به نمایش گذاشت.

محمد زمانیان معاون مالی و اقتصادی فولاد سنگان به تشریح عملکرد این حوزه پرداخت و عنوان کرد: این شرکت با ثبت در آمد عملیاتی ۲۵ هزار و ۸۴۴ میلیارد تومانی، رشدی ۲۱ درصدی را نسبت به سال گذشته تجربه کرد. این دستاورد در شرایط پرچالش اقتصاد ایران، نشان‌دهنده ثبات و انعطاف‌پذیری فولاد سنگان در بازار رقابتی است. وی افزود: شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان در تازه‌ترین صورت‌های مالی سالانه خود که مربوط به دوره منتهی به اسفند ۱۴۰۳ است، بار دیگر روند صعودی تولید، فروش و سودآوری را به نمایش گذاشت.

معاون مالی و اقتصادی فولاد سنگان اظهار داشت: درآمد عملیاتی این شرکت در سال گذشته به ۲۵ هزار و ۸۴۴ میلیارد تومان رسید، رقمی که نسبت به سال ۱۴۰۲، رشد ۲۱ درصدی را ثبت کرده و در فضای پر تلاطم اقتصاد ایران، نشانه‌ای از ثبات نسبی موقعیت این تولیدکننده در بازار تلقی می‌شود.

گندله؛ ستون اصلی در آندازی

زمانیان بیان داشت: در سید محصولات فولاد سنگان، سه محصول اصلی شامل گندله، کنسانتره سنگ آهن و گلوله‌فلزی آسیاب قرار دارد؛ با این حال، همچنان گندله بیشترین سهم را در درآمد آازی به خود اختصاص داده است که این رقم بیش از ۹۲ درصد در آمد عملیاتی است. بر این اساس فروش گندله در سال گذشته معادل ۲۳ هزار و ۹۰۲ میلیارد تومان بوده که بیشترین اثر گذاری را در ترکیب درآمدی شرکت به همراه داشته است.

خبر



فولاد مبارکه به‌عنوان بزرگ‌ترین واحد صنعتی کشور همواره با

چالش‌های جدی در حوزه انرژی مواجه بوده است؛ در سال‌های اخیر از کسری برق گرفته تا کاهش شدید تخصیص گاز که آثار اقتصادی مخربی به همراه داشت. فولاد مبارکه در سال‌های گذشته برای جبران کسری انرژی به سمت خود تأمیننی حرکت کرده و تاکنون بیش از ۸۵۰ مگاوات برق تولیدی در اختیار دارد و تا پایان سال نیز ۲۲۰ مگاوات دیگر به این ظرفیت اضافه خواهد شد. مصرف روزانه گاز ۱۵۵ میلیون متر مکعب بود اما در ماه‌های پایانی سال گذشته تنها

ارزبایی فنی، اقتصادی و راهبردی قراردادی ۶۰۰ میلیون دلاری

معجزه گازی مدار یا قطره‌ای در دریای ناترازی



فنی حساب شده! این پروژه راه‌حل کوتاه‌مدت نیست، بلکه یک سرمایه‌گذاری میان‌مدت برای تأمین بخشی از نیاز آینده است.

پروژه چه چالش‌های فنی، مالی و مدیریتی پیش‌رو دارد؟

توسعه میدان گازی مدار با چالش‌های متعدد فنی، مالی، حقوقی، قراردادای و اجرایی (توان پیمانکاران) روبه‌رو است؛ در حوزه فنی، تضمین ظرفیت تولید از ۲۰ حلقه چاه، مدیریت فشار مخزن پرنامنه‌ریزی تا تست می‌تواند به شکل معمول بین ۲ تا چهار سال طول بکشد؛ با توجه به مقیاس و نیاز به هم‌زمان‌سازی چاه‌ها، تدارکات و نصب واحدهای سطح‌الارضی، یک بازه عملیاتی منطقی برای رسیدن به تولید تجاری بخش‌هایی از میدان بین ۲ تا ۳ سال (برای فازهای اولیه راه‌اندازی) و برای رسیدن به تولید کامل، سه تا چهار سال یا بیشتر برآورد می‌شود. آن هم مشروط به تأمین مالی، نیروی انسانی، ماشین‌آلات، کالا، تجهیزات و تأییدیه‌های فنی و حقوقی، از این رو، بیان زمان ۲ تا سه سال برای اجرا آن هم در شرایط کنونی کشور، شاید واقع‌گرایانه باشد، اما به شرط شستاب در اجرا، مدیریت کنترل پروژه حرفه‌ای و برطرف کردن گلوگاه‌ها!

در حوزه چالشش تأمین مالی، ب‌ا وجود سرمایه‌گذاری اولیه فولاد مبارکه، حجم کل سرمایه مورد نیاز برای پروژه‌هایی از این دست بالا است، امکان افزایش هزینه‌ها به علت تورم جهانی، نوسان قیمت‌هاو تحریم‌ها و وجود دارد. توانایی کنسرسیوم در تأمین پایدار منابع مالی، یکی از نقاط کور این پروژه است.

تأمین ارز و نقدینگی بین‌المللی، نوسان ارزی و تأمین تجهیزات در تحویل در شرایط تحریم و با وجود محدودیت‌های حاضر و آتی، جریان نقدی پروژه و بازپرداخت سرمایه را به چالش می‌کشد.

از طرف دیگر، استفاده از مدل قراردادی IPC هر چند روی کافذ می‌تواند مزیت‌هایی همچون انتقال فناوری، مدیریت ریسک و جذب سرمایه خارجی را به همراه داشته باشد، اما موفقیت این مدل به شفافیت، جذابیت اقتصادی برای پیمانکارو ثبات حقوقی وابسته است و به مصوبه‌های رسمی در زمینه سیاست‌ها الزام‌های مالی، رویه‌های قراردادی و تأییدیه نهاد‌های بالادستی نیاز دارد. همچنین شفافیت در تخصیص ریسک‌ها، تضمین‌های عملکرد و مکانیزم حل اختلاف نیز از چالش‌های حوزه حقوقی و قراردادی پروژه به‌شمار می‌رود.

جذب سرمایه‌گذار خارجی برای کنسرسیوم از سوی اوپک، کاری بسیار دشوار خواهد بود؛ از این رو، احتمال تحقق مزیت‌های کامل مدل قراردادی IPC در این پروژه ویژه، در کوتاه‌مدت پایین به نظر می‌رسد.

اجرای پروژه در منطقه حساس خلیج فارس چه ملاحظات محیط‌زیستی دارد؟

اجرای طرح توسعه میدان گازی مدار در منطقه حساس خلیج فارس، رعایت دقیق مقررات و موازین محیط‌زیستی را می‌طلبد. بر اساس شرح کار، ساخت تأسیسات جداسازی و تصفیه آب همراه گاز و میعانات پیش‌بینی شده که گام مثبتی است. با این حال، باید بر عملکرد کنسرسیوم در زمینه اجرای استانداردهای کاهش انتشار گاز (حدافل فلرینگ)، پایش کیفیت هوا، مدیریت پسماندها، جلوگیری از نشت آلاینده‌ها و حفظ سلامت اکوسیستم خاک و آب، نظارت مستقل و دقیقی شود. این پروژه باید به فرصتی برای نمایش تعهد ایران به محیط‌زیست تبدیل شود، نه عاملی برای تخریب آن.

شفافیت در ارائه گزارش‌های محیط‌زیستی و استفاده از فناوری‌های نوین تفکیک و تصفیه آب همراه اماری ضروری‌الزامی است که الگوهای IPC و مستندهای فنی بین‌المللی می‌تواند معیارهای قابل‌انکایی فراهم کند.

چه توصیه‌هایی برای متولیان و مجریان پروژه دارید؟

میدان گازی مدار یک فرصت ملی است، اما تبدیل این فرصت به ثروت و امنیت انرژی، به نگاهی واقع‌بینانه، مدیریتی جسورانه و نظارتی دقیق نیاز دارد. وعده کاهش ناترازی گاز با این میدان، در بهترین حالت، به شرط اجرای به‌موقع و بدون مشکل، محقق خواهد شد و آن هم نه پیش از زمستان ۱۴۰۴ یا ۱۴۰۶! موفقیت این پروژه می‌تواند مدلی برای مشارکت سایر صنایع بزرگ در توسعه میدان بشود. این مدل باید به دقت مستندسازی شود و به‌په‌پد یابد.

این پروژه برای کاهش بخشی از فشار تأمین صنایع بزرگ مفید است، اما حل ملی ناترازی را تضمین نمی‌کند؛ پس باید انتظارات به‌روشنی و به دور از شعار مدیریت شود. به افکار عمومی و صنعت باید با شفافیت در باره زمان واقعی بهر‌داری از میدان اطلاع‌رسانی شود تا از ایجاد انتظارات کاذب جلوگیری شود.

شفاف‌سازی مالی، گزارش‌های محیط‌زیستی و برنامه‌زمان‌بندی روشن برای اعتماد عمومی و جذب سرمایه‌گذاران بعدی ضروری است. فرآیند اخذ مصوبه شورای اقتصاد، تأمین مالی و اجرای پروژه باید شتاب بگیرد و با حد اکثر شفافیت و تحت نظارت دقیق نهادهای ناظر قرار گیرد تا از هر گونه تأخیر یا سرریز هزینه (Cost Overrun) جلوگیری شود. شرکت ملی نفت باید به شکلی فعال در تقویت توان فنی و مدیریتی کنسرسیوم، به‌ویژه شرکت اوپک، از طریق مشاوره بین‌المللی و استفاده از نیروهای جوان و متخصص وارد شود. انکای صرف به ساختارهای گذشته پاسخگوی نیاز این پروژه نیست. ایجاد مشارکتی از پیمانکاران داخلی و خارجی توانمند، به‌روز و خوش‌سابقه در مدیریت توسعه میدان‌های مشابه الزامی است.

برای تضمین اثرگذاری عملی بر بازار گاز و ترغیب سرمایه‌گذاران خصوصی و صاحبان صنایع، باید بخشی از تولید با قرار دادهای تضمینی یا تخصیص بلندمدت قفل شود تا منافع ملی و صنعتی هم‌زمان محفوظ بماند.

توسعه میدان مدار نه یک برگ برنده، که یکی از چندین مهره ضروری در شطرنج پیچیده تأمین امنیت انرژی ایران است. موفقیت آن در گرو خرد جمعی، اراده‌ای فراخانجی، مدیریت علمی و عبور از شبهه‌های سنتی است. امید است متولیان، تصمیم‌گیران و مجریان با درک حساسیت این مأموریت، زمینه تحقق این پروژه ملی را فراهم آورند.



دستورالعمل‌های ابلاغی به جای تسهیل امور، تأثیر منفی بر روند سودآوری شرکت‌ها دارد. سیاست‌های ارز تخصصی و دستورالعمل‌های متعدد حوزه فروش و گمرک و بخشنامه‌های مالی می‌تواند موجب آشفتگی شود و ضمن تسهیل شرایط تصمیم‌گیری، روند جذب سرمایه را اگر متوقف ننماید آن را کند خواهد کرد و امید می‌رود این رویکرد اصلاح گردد.

جایگاه پایدار در زنجیره فولاد کشور

محمد زمانیان در پایان اظهار کرد: عملکرد سالانه فولاد سنگان گویای آن است که این شرکت همچنان در صف نخست تولیدکنندگان گندله قرار دارد. تداوم روند افزایشی تولید و فروش، به‌ویژه در محصول استراتژیک گندله، به فولاد سنگان امکان داده است تا نقش کلیدی خود را در زنجیره ارزش صنعت فولاد کشور حفظ کرده و به تقویت موقعیت رقابتی خود ادامه دهد.

پوشش نیاز فولاد مبارکه با گذشت سرمایه‌ای جذابیت خواهد داشت. اجرای این پروژه شامل تکمیل ۲۰ حلقه چاه و احداث خطوط لوله و تأسیسات جانبی است که با حفظ ملاحظات محیط‌زیستی، ظرف دو تا ۳ سال آینده به پیش تولید خواهیم رسید و دغدغه کمبود گاز در بخش تولید که مورد تأکید مقام معظم رهبری است نیز برطرف خواهد شد. قرار داشتن میدان گازی «مدار» در عسلویه و امکان انتقال مستقیم به پالایشگاه‌های فازهای ۱۵ و ۱۶، ظرفیت مناسبی برای بهره‌برداری سریع و انتفاع از گاز تولیدی را فراهم می‌آورد. بدون شک این قرارداد نقطه عطفی در تأمین پایدار انرژی برای بزرگ‌ترین واحد صنعتی کشور است و نوآوری‌های ناشی از کمبود گاز در سال‌های آتی را کاهش خواهد داد.

یادداشت

معاون فروش و بازاریابی فولاد مبارکه در یادداشتی مطرح کرد:

گام جدی فولاد مبارکه برای تولید بر مبنای سفارش

در شرایطی که صنعت فولاد ایران بار کود داخلی، ناترازی انرژی و رقابت سنگین جهانی مواجه است، فولاد مبارکه با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و توسعه بازارهای صادراتی، توانسته مسیر متفاوتی را در پیش گیرد. در سال ۱۴۰۴، صنعت فولاد ایران یکی از سخت‌ترین دوره‌های خود را تجربه می‌کند. در کودسنگین در بازار داخلی، توقف پروژه‌های عمرانی، سیاست‌های انقباضی بانک‌مرکزى و کاهش نقدینگی، مصرف محصولات فولادی را به حداقل رسانده‌اند. در کنار این عوامل، دامپینگ چین در بازارهای جهانی و افزایش عرضه فولاد با قیمت‌های پایین، رقابت را برای فولادسازان ایرانی دشوارتر کرده و قیمت محصولات را به پایین‌ترین سطح سال اخیر رسانده است.

در چنین شرایطی، بسیاری از فولادسازان برای حفظ جریان نقدینگی به فروش اعتباری چندماهه در بازار داخلی روی آورده‌اند؛ اقدامی که اگر چه در کوتاه‌مدت سود کاذب ایجاد می‌کند، اما در بلندمدت به افزایش بدهی، کاهش نقدشوندگی و تضعیف برند منجر می‌شود. هم‌زمان، محدودیت‌های شدید انرژی نیز زنجیره تولید، فروش و سودآوری را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

موفقیت فولاد مبارکه

در شناسایی نیاز بازارهای جهانی

اما فولاد مبارکه مسیر متفاوتی را بر گزیده است. این گروه بزرگ صنعتی با تحلیل دقیق از روندهای آینده‌نگر، پیش از آن که بحران انرژی به مرحله بحرانی برسد، سرمایه‌گذاری وسیعی در زیرساخت‌های انرژی انجام داد. ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی با بالاترین ضریب بهره‌وری و توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، امروز به مزیت رقابتی فولاد مبارکه تبدیل شده‌اند. در حالی که ضریب بهره‌برداری تولید در بسیاری از واحدهای فولادی کشور به ۳۵ درصد رسیده، فولاد مبارکه با انکای به ظرفیت‌های داخلی خود، با تمام توان در حال تولید است.



از سوی دیگر، این مجموعه با تغییر رویکرد از فروش داخلی به بازارهای صادراتی، توانسته سهم خود را در فروش بازارهای خارجی افزایش دهد. در ۵ ماهه نخست سال ۱۴۰۴، میزان صادرات فولاد مبارکه بیش از دو برابر شده و تنوع در سید صادراتی نیز چشم‌گیر بوده است. اگر در سال‌های گذشته تنها اختلال در سید صادراتی فولاد مبارکه قرار داشت، اکنون نیمی از سفارش‌های صادراتی به ورق گرم و سرد تعلق دارد. نشانه‌ای از موفقیت در شناسایی نیاز بازارهای جهانی.

کنترل هزینه‌های عملیاتی با مدل تولید

در شرایطی که رشد هزینه‌های تولید در صنعت فولاد به بیش از ۴۰ درصد رسیده و قیمت فروش محصولات همچنان در سطح دو سال گذشته باقی مانده، فولاد مبارکه با مدل تولید بر مبنای سفارش و تمرکز بر نیازهای واقعی بازار، توانسته هزینه‌های عملیاتی را کنترل کند. این رویکرد، برخلاف مدل‌های سنتی تولید انبوه، موجب افزایش بهره‌وری و کاهش ریسک انبارش شده است.

اخیراً نیز در یادداشتی تغییر رویکرد از «فروش» به «بازاریابی و فروش» اعلام‌شد که فولاد مبارکه توانسته موتور محرک سازمان را فعال نگه دارد. شناسایی دقیق نیازهای بازار داخلی و جهانی، تولید هدفمند و سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که نیازهای آتی مصرف‌کنندگان را تأمین می‌کنند، از جمله راهبردهای کلیدی این معاونت بوده‌اند.

خلق ارزش در بازارهای رقابتی

در واقع در زمانی که بسیاری از رقبای درگیر واکنش‌های کوتاه‌مدت به کود بازار و ناترازی انرژی هستند، فولاد مبارکه با نگاه آینده‌نگر، زیرساخت‌های حیاتی خود را تقویت کرده و از وابستگی به منابع ناپایدار فاصله گرفته است. این استقلال انرژی، امروز به مزیتی عملیاتی تبدیل شده که تولید را در شرایط بحرانی حفظ کرده و اعتماد بازار را تقویت کرده است. هم‌زمان، با عبور از مرزهای داخلی و ورود هدفمند به بازارهای صادراتی، فولاد مبارکه توانسته سهم خود را در زنجیره جهانی فولاد تثبیت کند. تنوع در سید صادراتی و رشد دوبرابر حجم صادرات، نشان می‌دهد که این شرکت نه تنها به حفظ ظرفیت تولید فکر کرده، بلکه به خلق ارزش در بازارهای رقابتی نیز متعهد بوده است.

نجات صنعت فولاد کشور از تنگناها

بنابر این با تمرکز بر تولید بر مبنای سفارش و کنترل دقیق هزینه‌ها، فولاد مبارکه توانسته در عصر کاهش حاشیه سود، سودآوری عملیاتی خود را حفظ کند. این رویکرد، نه تنها از انباشت زیان جلوگیری کرده، بلکه امکان سرمایه‌گذاری مجدد در توسعه رانیز فراهم آورده است.

چشم‌انداز فولاد مبارکه، چشم‌انداز یک صنعت هوشمند است صنعتی که به‌جای انفعال در برابر بحران، با تحلیل دقیق، تصمیم‌سازی جسورانه و اجرای منسجم، مسیر پایداری را انتخاب کرده است. این مسیر، الگویی است که اگر در سطح ملی دنبال شود، می‌تواند صنعت فولاد ایران را از تنگنای امروز به افق‌های رقابت‌پذیری جهانی برساند.

فولاد مبارکه؛ باز یگری هوشمند

در زنجیره ارزش جهانی

گروه فولاد مبارکه با ترکیب سه راهبرد کلیدی سرمایه‌گذاری در انرژی، توسعه صادرات و مدیریت هزینه‌ها توانسته در یکی از سخت‌ترین دوره‌های صنعت فولاد، نه تنها بقا داشته باشد بلکه رشد کند. این عملکرد، در مقایسه با رقبای داخلی که گرفتار کود، ناترازی انرژی و فروش اعتباری شده‌اند، نشان‌دهنده بلوغ راهبردی و توانمندی مدیریتی این گروه بزرگ صنعتی است. فولاد مبارکه امروز نه فقط یک تولیدکننده فولاد، بلکه یک بازیگر هوشمند در زنجیره ارزش جهانی است و این همان چیزی است که صنعت ایران برای عبور از بحران به آن نیاز دارد.